

اعتراض معترض

امیر فیض- حقوقدان
چهارشنبه ۲۶ خرداد ۲۵۴۹
۱۶ ژوئن ۲۰۱۰

در تحریر قبل به استناد اظهارات نخست وزیر و رییس جمهوری اسرائیل شخصیت های دیگر نشان داده شد که حاکمیت جنبش سبز با اسرائیل است و آنچه که در مسیر جنبش سبز میگذرد، برای اسرائیل است. و قرار بر این بود که در این تحریر، به این پرسش پاسخ داده شود که هزینه های جنبش سبز از ناحیه چه کسی تامین می شود. اما به مناسبت اعتراضی که از ناحیه یکی از ایرانیان رسید، بهتر آمد که اعتراض ایشان مطرح و عرض پاسخ شود، چرا که فاصله بین اعتراض و پاسخ هر قدر نزدیک باشد، ارجح است که اگر فاصله زیاد باشد، جای حرف و حدیث هم فراهم می شود.

اعتراض معترض:

یکی از ایرانیان که تحریر «جنبش سبز از آن کیست» را مفتخر به قرابت نموده، گفته است: «فلانی (مقصود بنده است) نه تنها به جنبش سبز نظر لطف ندارد که دشمنی هم دارد. اگر اسرائیل گفته، جنبش سبز سرمایه ماست و یا جنبشی ها برای ما می جنگند، این اظهارات چرا باید سبب حاکمیت اسرائیل بر جنبش سبز به حساب آید. ایشان که حقوقدان هستند میدانند که ادعا دلیل برحق نیست»

پاسخ اعتراض:

ایراد و اعتراض ایشان متوجه دو مقوله است:

- ۱- مقوله اول نداشتن نظر لطف است به جنبش سبز که همان جنبش خزه ها است.
- ۲- مقوله دوم رابطه ادعا و حاکمیت اسرائیل بر جنبش سبز است.

مقوله اول:

در رابطه با اعتقاد سیاسی است و اعتقاد سیاسی هم جای لطف و بی لطفی فراهم نمی کند و برعکس جای مخالفت را باز میکند. کسیله معتقد به حقانیت تداوم سلطنت و مشروعیت قانون اساسی مشروطه است نمی تواند به جنبش سبز که ماهیت اعتقادی آن کاملاً و بدون تردید در جهت مخالف تداوم سلطنت است، موافق و یا حتا بیطرف باشد. جمهوری و سلطنت دو نهاد متضاد هستند یعنی حیات سیاسی یکی، لازمه محو حیات سیاسی دیگری است. بنابراین مخالفت و حتا دشمنی با جنبش سبز، مبنای اعتقادی دارد نه نظری.

اما مقوله دوم:

نخست این توجه ایرانیان گرامی لازم است که اسرائیل ادعای مالکیت و حاکمیت بر جنبش سبز رانکرده، بلکه اعلام حق کرده و به کلامی دیگر، حق را که بر جنبش سبز دارد و آن مکتوم بوده آنرا فاش کرده. فرق این دو یعنی ادعا و فاش کردن حق این است که در اولی شخص برحق استیلا ندارد و در دومی استیلا دارد.

اگر اسرائیل گفته بود ما چون به جنبش سبز کمک کرده ایم، پس حقی داریم، این ادعا محسوب می‌شد، یعنی باید اولاً کمک را ثابت کنند و ثانیاً رابطه بین کمک و حق را به اثبات برسانند.

همانطور که میدانید، اسرائیل گفته است: «جنبش سرمایه‌مست، آنها برای ما با رژیم اسلامی می‌جنگند» این اعلامات، ادعا نیست، اعلام حق است، رابطه سرمایه‌گذاری در هر کاری چه سیاسی و چه اقتصادی ایجاد حق می‌کند نه ادعا. وقتی جنبش سبز برای اسرائیل می‌جنگد، یعنی اسرائیل بر جنبش سبز حاکمیت داد، یعنی حکم میدهد، فرمان میدهد (همچنان که شعارهای ساخت خودش را به جنبش حقه کرد) این مراتب ناشی از ادعا نیست، آثار حق و استیلا می‌باشد.

سکوت جنبش سبز از خُرد و کلانشان دلیل دیگری است که اظهارات سران اسرائیل ادعا نیست و حتا مطالبه حق هم نیست بلکه اعلام حق است.

جنبشی‌ها میدانند که اسرائیل کشوری است که مردم جهان روی آن حساسیت دارند، سران آن کشور هم به حساسیت جهانی نسبت به کشورشان آگاهند بنابراین حرف‌های پا در هوا نمی‌گویند که مورد سخره کشورها قرار گیرند. یعنی دلیل دارند که با چنین موقعیت خودشان را بر جنبش سبز اعلام می‌کنند.

امروزه کشور‌های بسیاری هستند که از جنبش سبز حمایت می‌کنند ولی چرا هیچیک از آنها این چنین بی‌پروایی را از خودشان در رابطه با جنبش سبز نشان ندادند و نمی‌دهند. مثلاً دولت سوئد نمی‌گوید که جنبش سبز سرمایه‌مست و جنبشی‌ها برای ما می‌جنگند ولی اسرائیل می‌گوید و گفته است.

اینها و نظایر آن فراین و دلایلی است که جنبشی‌ها می‌دانند که ریششان آلوده است و اگر هرچه در نفی اظهارات سران اسرائیل بگویند گذش بیشتر بالا می‌آید.

یادتان هست که چندی قبل کیهان تهران مدعی شد که خاتمی با یکی از شخصیت‌های آمریکایی که گفته شده متخصص انقلاب‌های رنگین است ملاقات کرده، خاتمی فی‌الفور آنرا تکذیب و بعد هم کیهان تهران را مورد تعقیب افترا قرار داد که هنوز پرونده به حکم نرسیده است.

آیا بنظر ایرانیان معترض، مسئله اعلام حق حاکمیت اسرائیل بر جنبش سبز و تعلق سرمایه جنبش به اسرائیل و اینکه جنبشی‌ها برای اسرائیل می‌جنگند، مهم تر است یا ادعای ملاقات خاتمی با یک شخصیت خارجی؟

امیدوارم آقای معترض با این عقیده همراه باشد که بیاد دادن اعتبار جنبش سبز (که خود خاتمی یک ذره کوچکی از آن است) در مقابل اتهام خاتمی به ملاقات با یک بیگانه دریایی است در مقابل یک قطره.

درخواست اسرائیل برای کمک به جنبش سبز:

در لایحه «حاکمیت جنبش سبز از آن کیست» به مواردی اشاره شد که شخصیت‌های اسرائیلی از آمریکا خواسته‌اند که به جنبش سبز کمک کند. از طرفی میدانید و در تحریر آتی هم بیشتر آگاه خواهید شد که آمریکا منبع کمک به جنبش سبز است چه مادی و چه معنوی، آیا تصور می‌فرمایید اصرار اسرائیل برای کمک به جنبش سبز بی‌ارتباط با سرمایه‌گذاری اسرائیل در جنبش سبز است؟ مسلماً خیر، زیرا حاصل کمک به جنبش سبز، کمک به حفظ سرمایه اسرائیل و بازده آن می‌باشد.

علت سکوت جنبش سبز:

بهتر است برای نشان دادن علت سکوت جنبش سبز به یک مثال متوسل شویم:

فرض کنید که مردی ادعا می کند که با زن و دختر مرد دیگری رابطه نا مشروع دارد، اگر آن مرد دیگر غیرتی باشد این ادعا را تحمل نمی کند و پدرش را در می آورد و بدادگاه می کشد و هرکاری که از دستش بر می آید می کند که غیرتش پاک شود. و اما اگر بی غیرت باشد لافاقل به همسایه ها می گوید که مردکه دروغ می گوید، یعنی در هیچ شرایطی ادعای آن مرد را بی جواب نمی گذارد.

اما اگر مرد، مخارج زندگی و تفریح زن و دختر مرد دیگری را تامین کرد، هدیه به آنان داد (تطبیق بفرمایید با جوایزی که اسرائیلی ها به آدم های جنبش در خارج از کشور داده اند) و اگر همان مرد از زن و دختر جانبداری کرد و همه مردم هم ناظر این جریان بودند، آیا آن مرد اول (شوهر و پدر دختر) روی آنرا دارد که رابطه آن مرد متجاوز را با زنش تکذیب کند و یا او را به دادگاه بکشاند. مسلما خیر زیرا همه قراین تجویز بر سکوت را دارد.

دقیقا جریانی که علت سکوت موسوی و کروبی و خاتمی و آدم های آنها در خارج از کشور شد.

تاسف مشترک:

کاملا قابل درک است که معترض محترم از اینکه سرباز اسرائیلی معرفی شده که برای اسرائیل با رژیم اسلامی می جنگد ناراحت و غمگین است. ارادتمند هم بسیار متاسف و رنجور است که یک ایرانی و ایرانیانی به این موقعیت ناراحت کننده و پست نزول کرده باشند خاصه وقتی که می بینیم سه میلیون ایرانی، سرباز، اسرائیلی که سه میلیون جمعیت دارد معرفی شده است. اما بنده نوعی تاسف خودم را با نوشتن، اندکی تسکین میدهم و معترض محترم با اعتراض کردن، آیا مسئله یعنی اظهارات سران اسرائیل آنقدر حائز اهمیت نبود که سران جنبش سبز که مرتبا بیانیه می دهند لافاقل در بیانیه پانزدهم خودشان اشاره ای به اطلاعات اسرائیل می نمودند.

استیضاح سیاسی و ملی نه شخصی:

سکوت سران جنبش سبز و ایادی آنان در خارج از کشور در مقابل اطلاعات اسرائیل از نظر حقوق اجتماعی و سیاسی قابل استیضاح است ولی از نظر شخصیت آقایان نمی توان به آن ایرادی یافت زیرا

آنکه نانش از ولینعمت رسد حرمت او را به جا آرد به صد

سلیمان ساوجی بیٹی دارد که می تواند به آنچه باید گفته شود کمک کند.

هرکه نمک خورد و نمکدان شکست در محفل رندان جهان، سگ به از اوست

با احترام به معترض
امیر فیض